



رویدادهای موسوم به «بهار عربی» چه پیامدهایی را برای کشورهای درگیر به‌دنبال داشته است؟

۱۲ سال بعد؛ دخالت‌های امریکا و خزان عربی

کشور عربی

یک ویسایت اماراتی گزارشی از یک نظرسنجی اقتصادی از کارمندان برخی کشورهای عربی انجام شده، منتشر کرده است. طبق این نظرسنجی، حقوق کارمندان ۷ کشور عربی کفاف زندگی آنها را نمی دهد

+

گزارش تحلیلی گروه‌سیاست

با گذشت بیش از یک دهه از خیزش های عربی که منطقه را وارد مرحله‌ای جدید از حیات خود

کرد، این سؤال مطرح است که آن رخداده‌ها چه دستاوردی برای این کشورها داشته است؟ بهار عربی تجارب مختلفی در کشورهای مختلف خاورمیانه رقم زده است؛ تجاربی که در بعد سیاسی و اقتصادی طبق نظرسنجی‌ها و آمار موجود وضعیت این کشورها را به مراتب بدتر از گذشته کرده‌است. اگر تحولات بهار عربی را در دو منطقه شمال آفریقا و

غرب آسیا بررسی کنیم، نتایج آن را می‌توان در پی دخالت‌های امریکا به شرح ذیل خلاصه کرد.

غرب آسیا بررسی کنیم، نتایج آن را می‌توان در پی دخالت‌های امریکا به شرح ذیل خلاصه کرد.

غرب آسیا بررسی کنیم، نتایج آن را می‌توان در پی دخالت‌های امریکا به شرح ذیل خلاصه کرد.

۱-تحولات سیاسی شمال آفریقا

اولین جرقه انقلاب در تونس زده شد و سرانجام بن علی سرنگون شد. بعد از ۹ سال تجربه دموکراسی، قییس بن سعید در تونس به‌عنوان رئیس

علاوه برآن، وجود تنش جدید با بسترهای موجود در این منطقه، میدان درگیری دیگری را برای روسیه باز خواهد کرد که موجب تمرکززدایی روسیه از جنگ در اوکراین خواهد شد و سرنوشت جنگ را متأثر می‌کند.

از آنجایی که از زمان جنگ اوکراین نگرانی این کشورها از تحرکات روسیه بیشتر شده است، امریکا نیز به‌طور مشایهی می‌کوشد به این مسأله دامن زده و این کشورها را روسیه به‌عنوان «قدرت مخرب» برترساند. این مقدمه‌چینی‌ها، طرح نفوذ در آسیای مرکزی در قالب شعار تلاش برای حفظ استقلال و حمایت از دولت‌ها را در برابر تهدیدات فرضی روسیه اجرایی می‌کند. از این‌رو امریکا جا پای خود را در حیطات خلوت روسیه محکم‌تر کرده و دولت‌ها را با خود همراه می‌کند که در درازمدت ظرفیت خوبی برای نقش‌آفرینی و ایجاد بحران‌های جدید خواهد بود.

از همین‌رو بلیکن، وزیر خارجه ایالات‌متحده با اشاره به تهاجم روسیه به خاک اوکراین در حالی که قزاقستان حدود ۷۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با روسیه دارد، به وزیر خارجه قزاقستان گفت: «در این برهه زمانی خاص، این کلمات از اهمیت ویژه‌تری برخوردارند؛ ما شاهدات گویای این‌است که یکی از اهداف سفر بلیکن به غرب، امریکا را به تکاپو برای بازی جدید در منطقه آسیای مرکزی درنگیخته است.

درگیری روسیه در اوکراین موجب شد امریکا که سال‌ها است استراتژی خود را در این منطقه بر محور رقابت با چین، روسیه و امپت، توسعه و اجرای پروژه‌های ایران بازنگران منطقه‌ای همچون ایران گذاشته است، با توطئه‌ای جدید به همکاری‌های همه‌جانبه با کشورهای آسیای میانه روی

بهار عربی تجارب مختلفی در کشورهای

صالحی برای لیبی تصور نمی‌شود و افزایش تنش‌ها بین گروه‌های مختلف با توجه به وابستگی منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش پیدا کرده است. مصر تجربه دیگر در بهار عربی بود. با سقوط مبارک، این کشور دوران گذار را با محمد مرسی رئیس جمهور اخوان تجربه کرده بود که در عمل موفقیتی به دست نیاورد و سرانجام با یک شبه کودتا سرنگون و در زندان جان سپرد. تجربه مصر به دوران اقتدارگرایی مبارک بازگشته و اکثر ارکان قدرت در دوران مبارک در ساختار سیاسی و نظامی این کشور حضور دارند. سه کشور با نوله‌هایی از تجارب ناموفق بهار عربی در کشورهای شمال آفریقا بودند؛ هرچند این کشورها برای زمانی کوتاه تجارب دموکراسی را تجربه کردند، اما با توجه به بافت و فرهنگ این کشورها و مداخلات خارجی، بار دیگر ساختارهای اقتدارگرایانه بازگشته‌اند.

منطقه غرب آسیا

شدت خشونت و جنگ‌های داخلی در منطقه غرب آسیا از شمال آفریقا بسیار بیشتر بوده است. در سوریه به بهانه ساقط کردن نظام اسد تروریست‌های مختلف را از سرتاسر جهان بسیج کرده و در قالب گروه‌های تروریستی به سوریه آوردند تا در مقابل دولت اسد قرار بگیرند. نتیجه این بود که سوریه وارد جنگ داخلی شد و صدها هزار انسان در این جنگ کشته شدند و بیش از ۸ میلیون آواره در این بحران وجود داشت. گروه‌های تروریستی سرانجام از دولت اسد و همپیمانان خود شکست خوردند و اکنون در محدوده‌ای در شمال ادلب و شمال حلب حضور دارند. اسد توانست ثبات را بر بخش‌های غربی سوریه (غرب رود فرات) به ارمغان بیاورد و اکنون دوران بازسازی را آغاز کند.

همپیمانان اسد بخصوص ایران و روسیه یک جنگ جهانی را در منطقه پشت سر گذاشتند که می‌توانست دامنه آن کشورها را فرا بگیرد. یمن تجربه دیگری در منطقه غرب آسیا بوده است. یمن با توجه به موقعیت استراتژیک خود همواره حتی در طول دوران جنگ سرد به کانون رقابت‌های قدرت بزرگ و منطقه‌ای تبدیل شده بود که نتیجه آن تقسیم یمن به یمن شمالی و جنوبی بوده است.

درگیری روسیه در اوکراین

روسیه در اوکراین موجب شد امریکا که سال‌ها است

استراتژی خود را در این منطقه بر محور رقابت با چین، روسیه و مهار بازیگران منطقه‌ای همچون ایران گذاشته است، با توطئه‌ای جدید به همکاری‌های همه‌جانبه با کشورهای آسیای میانه روی آورد

بعد از اتحاد یمن شمالی و جنوبی و موج اقتدارگرایی در دوران عبدالله صالح این کشور به اسفناک‌ترین شیوه دنبال شد. تحولات بهار عربی در یمن هم جاری بود و سرانجام دولت عبدالله صالح در مقابل خیزش مردم شکست خورد؛ دولت جدید توسط معاون وی تشکیل شد و حکومت اقتدارگرایانه علی عبدالله صالح به مدت دو سال ادامه یافت تا سرانجام مردم در یک خیزش انقلابی علیه منصور هادی رئیس جمهور این کشور قیام کرده و او از کشور فرار کرد. عربستان سعودی به بهانه حمایت از دولت مستعفی، ۸۰ سال جنگ را بر مردم یمن تحمیل کرد و اکثر زیرساخت‌های این کشور نابود شد. قدرت در یمن اکنون به سه دسته تقسیم شده است؛ دولت نجات ملی در قالب انصارالله بر شمال و بخش‌هایی از مرکز یمن حکومت می‌کند؛ ائتلاف جنوب تحت حمایت امارات بر بخش‌هایی از جنوب این کشور حکومت می‌کند و بازمانده‌های دولت مستعفی یمن مورد حمایت عربستان که بر سایر مناطق جنوب حکومت می‌کنند. هرچند اکنون یمن دوران آتش بس موقتی را پشت سرمی‌گذارد، اما نتیجه تحولات، کشته شدن صدها هزار انسان از جمله زن و کودک بوده به طوری که می‌توان گفت این کشور برای سال‌های سال به عقب برگشته است. در بحرین هم خیزش‌های انقلابی با دخالت سعودی و حمایت‌های بین‌المللی شکست خورد و خاندان آل خلیفه با اعدام و زندانی کردن مخالفان به حیات خود ادامه می‌دهند. در بعد سیاسی باید گفت بهارعربی پیامدهای مثبتی برای این کشورها نداشته است و اکنون آنها در وضعیت بسیار نامناسب سیاسی به سر می‌برند.

۲-تحولات اقتصادی

ارم بیزنس (Erembusiness) وبسایت اماراتی ویژه خبر و گزارش‌های اقتصادی، جمعه ۲۵ فوریه گزارشی از یک نظرسنجی ویژه اقتصادی منتشر کرده که از طریق اجرای مصاحبه مستقیم و توزیع پرسشنامه با ده‌ها تن از کارمندان برخی کشورهای عربی انجام شده است. طبق این نظرسنجی، حقوق کارمندان ۷ کشور عربی لبنان، عراق،

مصر، تونس، مراکش، الجزایر و اردن در هفته سوم ماه به پایان می‌رسد. براساس این مطالعه، بیش از ۹۴ درصد از کارمندان این هفت کشور پیش از پایان ماه دستمزد خود را خرج می‌کنند. پس از لبنانی‌ها، شهروندان تونس در مقام بعدی و خامت شرایط اقتصادی قرار دارند. طبق این مطالعه، ۴۷ درصد از شرکت‌کنندگان تونس گفتند که دستمزد آنها در هفته اول ماه تمام می‌شود. حدود ۷۵ درصد از تونس‌های شرکت‌کننده در این نظرسنجی، خانواده‌های سه تا پنج نفر دارند. شرکت‌کنندگان اردنی، کویتی، اماراتی، سعودی و قطری نیز خاطرنشان کردند که اجاره مسکن بیشترین هزینه از درآمد ماهانه‌شان را در بر می‌گیرد. تعداد زیادی از شهروندان کشورهای عربی در این مطالعه اظهار داشتند که هزینه سرگرمی در رتبه دهم هزینه‌های ماهانه‌شان قرار دارد. ۷۷درصد از الجزایری‌ها، ۷۵ درصد مصری‌ها و ۶۸ درصد از مراکشی‌ها تقریباً در اولویت هزینه خود نمی‌دانند. این نشان‌دهنده آن است که مردم کشورهای عربی نسبت به دیگران بخش کمی از درآمد خود را صرف تفریح و سرگرمی می‌کنند. در سعودی، ۵۳٫۳ درصد شهروندان تأکید کردند که هزینه کمی برای سرگرمی صرف می‌کنند. ۵۱٫۷ درصد اماراتی‌ها و ۴۵ درصد بحرینی‌ها گفتند که هزینه سرگرمی در مرتبه سوم هزینه‌های ماهانه آنها قرار دارد. در کویت هم ۴۲٫۹ درصد به ارم بیزنس گفتند که هزینه سرگرمی اولویت‌زندی آنها نیست و در رتبه سوم قرار دارد. این مطالعه نشان داد، بیشتر شهروندان عرب درآمد یا دستمزد ماهانه خود را پیش از پایان ماه و بدون هیچ گونه پس‌اندازی خرج می‌کنند که نشان‌دهنده تأثیر منفی روند افزایش قیمت‌ها و تورم اقتصاد جهانی بر قشر کارمندان در این سیزده کشورعربی است.

در نتیجه باید گفت که بهارعربی چه در بعد سیاسی و چه در بعد اقتصادی دستاوردهای قابل توجهی با خود به همراه نداشته و هرچند موجب روی کار آمدن انصارالله در قالب دولت نجات ملی در یمن شده است، اما در مجموع این تحولات بهار این کشورها را به خزان تبدیل کرده است.

کشور چین، ایران و روسیه در برابر سیاست‌های امریکا خلل ایجاد می‌کند و می‌تواند راهبرد امریکا را در منطقه با شکست مواجه کند، نفوذ امریکا در این منطقه و تبدیل به کانونی برای ایجاد مناقشه بین آنها، پتانسیل درگیر کردن آنها را فراهم می‌کند. این در حالی است که گسترش همکاری‌های سه کشور امری طبیعی و در جهت استفاده از ظرفیت‌های یکدیگر برای پیشبرد منافع متقابل ارزیابی می‌شود. انجام تمرینات نظامی مشترک و همکاری در قالب سازمان همکاری شانگهای، از دیگر شاخص‌های همکاری نظامی امنیتی ایران، چین و روسیه است. به عقیده برخی تحلیلگران غربی، دو کشور چین و روسیه با وجود برخی نگرانی‌ها و اختلاف دیدگاه‌ها، در مواردی مانند عملکرد اقتصادی چین در شرق دور روسیه، رقابت در آسیای مرکزی، کپی‌برداری صنایع نظامی چین از تسلیحات روسی، نامتقارن بودن تجارت بین دو کشور و طرح‌هایی چون «یک کمربند - یک جاده» موانع یکسانی در مسائل مهم سیاسی و امنیتی بین‌المللی دارند؛ اما در اصل، منافع مسکو در حوزه فرهنگی و امنیتی مهم آسیای مرکزی به مسائل مهم سیاسی و امنیتی بین‌المللی با وجود سرمایه‌گذاری فراوان، به لحاظ اقتصادی بویژه در بخش نفتی قزاقستان نمی‌تواند به آسانی با چین در منطقه رقابت کند. آنتونی بلیکن به دولت‌های آسیای مرکزی وعده کمک‌های مالی جدید برای کاهش اتکای کشورهای آسیای مرکزی به روسیه را داده است. به گفته وی، شرکت‌هایی که بتوانند کار خود را در روسیه کاهش دهند فرصت‌های جدیدی دریافت خواهند کرد.

موقعیت ایران در آسیای مرکزی
تحولات آسیای مرکزی بر امنیت کشور ما نیز تأثیرگذار خواهد بود و هرگونه بی‌ثباتی و ناآرامی در این منطقه استراتژیک بر امنیت کشور ما نیز اثر مستقیم دارد. به علاوه برای منافع همه‌جانبه ما دارد، باید در نظر داشت که حضور امریکا در آسیای مرکزی اهدافی چند منظوره از جمله مهار ایران را دنبال می‌کند.

ایران همواره در پی تقویت روابط و مناسبات با کشورهای آسیای

موافقت کنند، در واقع به ایجاد یک پایگاه هوایی ایالات‌متحده-ناتو چراغ‌سبز نشان داده‌اند که این موضوع می‌تواند اهداف بلندمدت امریکا را برای استقرار نیروها و گسترش ناتو نشان دهد.

وابسته‌سازی اقتصادی کشورهای ضعیف

یکی دیگر از راهبردهای امریکا برای نفوذ در آسیای مرکزی، توسعه اقتصادی و ارائه کمک‌های مالی به کشورهای ضعیف و بسته‌های سرمایه‌گذاری به کشورهای قدرتمندتر منطقه است. از این‌رو همواره امریکا در خلال نشست کمیته کاری مسائل اقتصادی در قالب 1 + CS (کشورهای آسیای مرکزی و امریکا) اعلام کرده برای ارتقای تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعه روابط اقتصادی بین کشورهای منطقه از کشورهای آسیای مرکزی حمایت فنی می‌کند. با این حال با افزایش نفوذ اقتصادی چین در منطقه، برنامه‌های پیچیده‌تر ژئوپلیتیکی در دستور کار واشنگتن قرار گرفته است.

حضور قدرتمند چین در پروژه‌های اقتصادی در آسیای مرکزی، بویژه سرمایه‌گذاری در بخش تولید و انتقال منابع هیدروکربنی و استفاده از مزیت پیوستگی جغرافیایی و همکاری در قالب سازمان همکاری شانگهای بیش از پیش امریکا را تحت فشار قرار داده است. امریکا با وجود سرمایه‌گذاری فراوان، به لحاظ اقتصادی بویژه در بخش نفتی قزاقستان نمی‌تواند به آسانی با چین در منطقه رقابت کند. آنتونی بلیکن به دولت‌های آسیای مرکزی وعده کمک‌های مالی جدید برای کاهش اتکای کشورهای آسیای مرکزی به روسیه را داده است. به گفته وی، شرکت‌هایی که بتوانند کار خود را در روسیه کاهش دهند فرصت‌های جدیدی دریافت خواهند کرد.

همکاری سه کشور ایران، چین و روسیه علیه استراتژی‌های نفوذ امریکا

از آنجایی که به عقیده کارشناسان و مقامات غربی، قرابت و همکاری‌های مشترک بین سه

مرکزی بوده است. عضویت ایران در مجامع منطقه‌ای چون حوزه اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اکتو و سازمان همکاری شانگهای، فرصت‌های بزرگی را در اختیار این کشور قرار داده تا با کشورهای آسیای مرکزی تعامل نزدیک و سازنده‌ای داشته باشد و نتیجه آن بهبود و تقویت روابط در این برهه خواهد بود؛ همچنین ایجاد مسیر ترانزیت کالا داخل خاک ایران به‌عنوان کوتاهترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر از دریای عمان، پیش‌روی دولت‌های آسیای مرکزی (مانند کشور برجمیت ازبکستان) خواهد بود و این امر مزایای اقتصادی را متوجه دوطرف خواهد کرد. کشورهای آسیای مرکزی قصد دارند ترانزیت کالا با ایران را به ۲۰ میلیون تن در سال افزایش دهند. شواهد نشان می‌دهد جمهوری اسلامی جایگاه خود را به‌عنوان هاب ترانزیتی منطقه به دست آورده است. ماحصل بهبود و تقویت روابط در این منطقه و گسترش جغرافیایی آن در بین دولت‌های مجاور، ارتقای امنیت منطقه‌ای و دوری از تنش‌های سیاسی خواهد بود؛ موضوعی که بشدت برای امریکا زیانبار است. بدین جهت، نقشه‌راه امریکا چیزی جز ایجاد ناآرامی و گسست روابط بین دولت‌های مستقر در این منطقه نخواهد بود. به نظر می‌رسد هدف اصلی واشنگتن افزایش همکاری‌های امنیتی با کشورهای آسیای مرکزی در راستای ارتقای توانمندی‌هایشان برای واکنش نسبت به چالش‌های پیش‌روی نزدیک و چالش‌های آینده باشد که بر ثبات منطقه‌ای این کشورها اثرگذار است. در واقع رهبران جمهوری‌های آسیای مرکزی از حمایت یک‌جانبه در رقابت‌های ژئوپلیتیک اجتناب می‌ورزند اما در عین حال برقراری موازنه بین شرکای مختلف را ترجیح می‌دهند؛ تا جایی که این پنج کشور آسیای مرکزی همچنین از رای دادن به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل که خواستار خروج نیروهای روسیه از اوکراین شده بود، خودداری کردند.



چرا ایالات‌متحده به دنبال گسترش ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی است؟

تقلای امریکا برای فرار از انزوا

یادداشت تحلیلی

فائزه سادات یوسفی روزنامه‌نگار

سفر اخیر بلیکن به آسیای مرکزی و دیدار با وزرای خارجه این کشورها، با توجه به شرایط کنونی جنگ اوکراین، گمانه‌زنی‌های زیادی را در محافل سیاسی برانگیخته است. از دید برخی کارشناسان، این سفر برای ممانعت از کمک و مسیریاری دور زدن تحریمی و اعمال فشار بر روسیه بوده است، اما راهبرد امریکا در آسیای مرکزی به این موارد محدود نمی‌شود و از سوی امریکا افق دوردستی از سال‌های گذشته بر این منطقه سایه انداخته است. مناسبات امریکا در آسیای مرکزی به گونه‌ای چندوجهی سیاست‌گذاری شده است؛ این منطقه از نظر ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک دارای اهمیت وافری